



## بررسی تطبیقی گفتمان دینی در داستان «بره گمشده راعی» اثر هوشنگ گلشیری و دیوان «لا تسرقوا الشمس» از ابراهیم المقادمه

د. امین نظری تریزی(\*)

د. موسی عربی(\*\*)

حسن نجفی(\*\*\*)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۳/۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۳/۷/۵

### چکیده

دین به‌عنوان یک نهاد تأثیرگذار که در مکاتب مختلف بشری محل بحث بوده، نزد شاعران و نویسندگان نیز مورد داوری قرار گرفته است که هرکدام با توجه خواستگاه‌های فکری و فرهنگی‌شان، در پی نفی یا اثبات نقش دین در جوامع بشری برآمده‌اند. هوشنگ گلشیری نویسنده توده‌ای مکتب اصفهان و ابراهیم المقادمه شاعر سرشناس فلسطینی که درگیر مبارزه با غرب و صهیونیسم بودند در آثار ادبی‌شان، از گفتمان دینی بهره برده‌اند. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی و محور قرار دادن پرسش زیر، در پی بررسی تطبیقی گفتمان دینی در رمان «بره گمشده

(\*) استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، ایران (نویسندهٔ مسئول) [aminnazari1369@yahoo.com](mailto:aminnazari1369@yahoo.com)

(\*\*) دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، ایران

(\*\*\*) دانش آموختهٔ دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، ایران

راعی» اثر هوشنگ گلشیری و دیوان «لاتسرقوا الشمس» اثر ابراهیم المقادمه بر اساس مبانی مکتب تطبیقی آمریکایی است. شباهت‌ها و تفاوت‌های هوشنگ گلشیری و ابراهیم المقادمه در به‌کارگیری دین، در دو اثر مذکور چیست؟ چه اسباب و عللی در تکوین نگاه دو ادیب به مقوله دین تأثیرگذار بوده است؟ نتیجه پژوهش بیانگر این است که کارکرد دین در بعد درونی و فردی به‌عنوان وجه اشتراک دو ادیب به منصفه ظهور رسیده؛ درحالی‌که ارائه خوانشی جهادی و اجتماعی از دین، ابراهیم المقادمه را از گلشیری مجزا کرده است. همچنین خواستگاه فکری و حزبی دو نویسنده و شرایط حاکم بر دو کشور ایران و فلسطین در اوایل نیمه دوم قرن بیستم ارائه خوانش متفاوت هر دو ادیب از دین و طرز تلقی آنان مؤثر بوده است.

**کلمات کلیدی:** گفتمان دینی، هوشنگ گلشیری، ابراهیم المقادمه، بره گمشده راعی، لا تسرقوا الشمس.

## ۱. مقدمه

دین نزد اندیشمندان، ناقدان و ادبای کشورهای اسلامی عربی متأثر از فضای سیاسی اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشورها است. درواقع نحله‌های فرهنگی و مدل فکری غالب در تکوین نگاه بیرونی و درونی افراد به دین و مذهب نقش اساسی دارند. از دیدگاه مسلمانان «مقصود از کارکرد دین، اثر، نقش و تحوُّلی است که دین در انسان و جامعه ایفا می‌کند» (قراملکی، ۱۳۸۲هـ.ش، ص ۱۶۲) درحالی‌که از نگاه ماتریالیسم دین یک نهاد اجتماعی است که برای تسکین دردها و آلام مستمندان و مظلومان، از دل تاریخ سر درآورده است. کارل مارکس «دین را افیون توده‌ها و تریاک مردم» (مارکس، ۱۳۸۱هـ.ش، ص ۵۳) می‌داند. از همین رو تعالیم و آموزه‌های دینی با تسکین آلام مردم، مانع از پیوستن توده‌ها به جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی می‌گردد. این طرز تلقی از دین که ناشی از باور به ایدئولوژی مبتنی بر ماده‌گرایی است.

با ورود نحله‌های فکری جدید در کشورهای اسلامی و عربی، نسل جدیدی از شاعران و نویسندگانی پا به عرصه ادبیات گذاشتند که آثار ادبی‌شان معرف اندیشه‌ها و طرز تلقی آنان نسبت به مقوله دین به حساب می‌آید. در ایران قبل از انقلاب اسلامی هوشنگ گلشیری، «به‌عنوان نامدارترین نویسنده اصفهانی ازجمله ادبایی بود که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ با حزب توده همکاری داشت» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳هـ.ش، ص ۳۳۳) و در بسیاری از داستان‌هایش به انعکاس مسائل و قضایای اجتماعی پرداخته است. نهاد دین به‌عنوان یک نهاد اجتماعی ازجمله موضوعات و مسائلی است که در داستان‌های وی مخصوصاً رمان «بره گمشده راعی» نمود ویژه‌ای یافته است. به اعتقاد عابدینی، گلشیری در این رمان «کوشیده است تا یک روشنفکر را در مقابل مجموعه مذهب قرار دهد» (عابدینی، ۱۳۶۸هـ.ش، ص ۲۹۲). در فلسطین نیز بعد روی کار آمدن رژیم صهیونیستی و اشغال اراضی و سرزمین‌های اسلامی عربی به دست اسرائیل، شعری از قبیل ابراهیم المقادمه پا به عرصه گذاشتند که نه تنها در میدان عمل و نبرد سردمدار بودند بلکه در دیوان شعریشان از گفتمان دینی بهره جسته و «از آن به‌عنوان تنها راه مقاومتی یاد می‌کند که با یاد خدا عجین شده است» (روان شاد، ۱۳۹۶هـ.ش، ص ۷۷). بنابراین پژوهش حاضر با تکیه بر روش وصفی تحلیلی به دنبال بررسی و نقد تطبیقی گفتمان دینی در رمان «بره گمشده راعی» اثر هوشنگ گلشیری و دیوان شعری «لا تسرقوا الشمس» اثر ابراهیم المقادمه است. به‌طوری‌که پس از تعریف و آشنایی با مفهوم دین و گفتمان، با توجه به دلالت‌های مستقیم و غیرمستقیم آثار مذکور، نگاه گلشیری و المقادمه به مقوله دین از دو منظر فردی و اجتماعی مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه «شعرا و نویسندگان مضمون مکاشفه در شخصیت خویش به‌عنوان یک هنرمند را در آثار ادبی‌شان به اشکال گوناگون مطرح می‌کند» (عابدینی، ۱۳۶۸هـ.ش، ص ۲۸۰) لذا برای ساختن نمونه‌ای جامع از نظام اندیشگی گلشیری و المقادمه جهت نقد و بررسی آن‌ها، می‌توان به آثار ادبی و داستان‌هایی که از خود به یادگار گذاشته است، رجوع کرد.

### ۱-۱. سؤالات پژوهش

- شباهت‌ها و تفاوت‌های هوشنگ گلشیری و ابراهیم المقادمه در به‌کارگیری دین، در دو اثر مذکور چیست؟
- چه اسباب و عللی در تکوین نگاه دو ادیب به مقوله دین تأثیرگذار بوده است؟

### ۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

- این پژوهش کوششی در مسیر روشن‌سازی و ترمیم نگاه‌های منتقدانه و انجام داوری مبتنی بر تحلیل و بدون سمت‌گیری راجع به ادبای دو کشور ایران و فلسطین با مشترکات فرهنگی بارز است.
- این پژوهش گامی است در مسیر شناخت بیشتر و معرفی رگه‌هایی از یک جریان ادبی در کشورمان که نیازمند بازنگری و نقد مفهومی است.
- تاکنون کمتر به تطبیق دو نوع و ژانر مختلف ادبی (شعر و داستان) در ادبیات عربی و فارسی پرداخته شده است و این مطلب از تازگی نسبی و اهمیت موضوع تحقیق حکایت دارد.

### ۱-۳. اهداف پژوهش

- مقایسه مفاهیم و ارزش‌های دینی نزد هوشنگ گلشیری و ابراهیم المقادمه جهت نقد و بررسی خواستگاه جریان ادبی وارداتی به ادبیات معاصر فارسی.
- رسیدن به جایگاه و نقش مفاهیم و ارزش‌های دینی نزد گلشیری و ابراهیم المقادمه در پرداختن به مقوله‌های اجتماعی و سیاسی.

### ۱-۴. پیشینه پژوهش

تا به حال در باب رابطه بین دین و ادبیات مقاله، رساله و کتاب‌های فراوانی نگاشته شده است. «بسیاری از محققین، خاستگاه ادبیات را دین و طرز نگرش

خاص به خدا، جهان و ... دانسته‌اند» (بگان، ۱۳۸۴ هـ.ش، ص ۲۹۷). با توجه به اینکه پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی گفتمان دینی نزد گلشیری و ابراهیم المقادمه می‌پردازد سعی بر آن است تا به نزدیک‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته اشاره شود:

- شیری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای خود به بررسی تأثیرپذیری در سرزمین آفرینش گری و داستان‌های هوشنگ گلشیری پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داده است که گلشیری نیز با استفاده از برخی مواد و نام‌های موجود در روایت پیشین، با نوعی دیگرگونه اندیشی که اساس هنر نیز مبتنی بر آن است، روایتی کاملاً متفاوت و مدرن از همان داستان ارائه می‌دهد که به دلیل برخورداری از ساختاری روایت شکنانه - بخصوص در معصوم‌ها - امروزه از مصادیق پسامدرن نیز به شمار می‌رود. به این طریق، حتی آن موتیو یا داستان گذشته نیز با تأویل و تفسیری جدید مواجه می‌شود؛ تفسیری که تا آن زمان گویی به عقل کسی نرسیده است.

- یوسفی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی آثار داستانی صادق هدایت و هوشنگ گلشیری با توجه به رویکردها و جریان‌های فکری معاصر» کوشش کرده است تا با تکیه بر ۱۱ داستان کوتاه از هوشنگ گلشیری و ۵ داستان کوتاه ویک داستان بلند صادق هدایت، به بررسی جریان‌های فکری موجود در این آثار بپردازد.

- روان شاد علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش‌شان با روش تحلیلی-توصیفی کوشیدند در دیوان شعری «لا تشرقوا الشمس» ابراهیم المقادمه، مؤلفه‌های ادبیات پایداری را تحلیل و بررسی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شعر مقاومت در نزد این شاعر در بردارنده موضوعاتی همچون وطن، دین و ایدئولوژی، دشمن، مردم، شهید، و اعتراض است و همچنین ایجاد بارقه امید برای مبارزین در عرصه مقاومت، پاسداری از پیروزی‌های بدست آمده، دعوت به مقاومت برای رسیدن به اهداف متعالی، آگاهی بخشیدن به نسل امروز و آینده از اهداف خصمانه

دشمن، احیای آموزه‌های اسلامی، تربیت نسل آزادی‌خواه، و ارائه الگوهای مقاومت اسلامی، مهمترین اهدافی است که این شاعر در شعر خود آنها را دنبال می‌کند.

- خجسته، فرامرز و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان «جستاری در بنیان‌های فکری نظریه ادبی هوشنگ گلشیری» تلاش کردند تا با توجه به مقالات هوشنگ گلشیری، بنیان‌های فکری او در پیوند با ماهیت و فلسفه‌ی ادبیات، مورد نقد و داوری قرار دهند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که جان مایه‌ی فکری و نظری مقالات گلشیری، به اومانیسیم و فرمالیسم گره خورده است. در روزگاری که جریان چپ و نویسندگان طرفدار حزب توده، هنر متعهد را تنها در رئالیسم سوسیالیستی می‌جستند، گلشیری کوشید تا مفهوم تعهد را از تنگناهای حزبی نجات دهد و طلیعه دار مفاهیمی چون انسان‌گرایی و فردیت باشد. هرچند در بسیاری از نوشته‌های گلشیری توجه به تکنیک و فرم، وجه غالب است، اما این تکنیک‌گرایی، به تکنیک‌زدگی نینجامیده است؛ چرا که برخورد دیالکتیکی اومانیسیم و فرمالیسم در اندیشه‌های گلشیری او را به سنتزی راهبر شده که هم تعهد را تاب می‌آورد و هم تکنیک را.

- نجفی حسن و اصلانی سردار (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «نقد اجتماعی رمان برّه گمشده راعی» هوشنگ گلشیری و «سروده حقار القبور» بدرشاكر السیاب» با تکیه بر مبانی مکتب تطبیقی روسی و روش توصیفی - تحلیلی، رمان برّه گمشده راعی اثر هوشنگ گلشیری و حقار القبور سروده بدر شاكر السیاب را از دیدگاه نقد اجتماعی ادبیات مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش، بیانگر این است که نویسنده و شاعر یادشده، صرف نظر از فاصله زمانی - مکانی و باوجود تفاوت در دیدگاه و سلیقه فردی، به دلیل تجربه شرایط یکسان، تکیه بر بیداری و آگاهی طبقاتی را به مثابه راهکارهایی برای برون‌رفت از مشکلات در پیش گرفته‌اند. گلشیری نیز با استفاده از گفتگوی کارناوالی و سیاب با تکیه بر لایه‌های متفاوت شعر نو، افزون بر نقد نظام سرمایه‌داری و نمودهای آن؛ از جمله استعمار و استثمار، آن‌ها را

مسبب مشکلاتی همچون جنگ، بحران‌های فردی - اجتماعی، فقر طبقات فرودست و استبداد داخلی حکومت‌ها دانسته‌اند که ادیبان را از نوید به آینده‌ای روشن بازداشته است.

## ۲. ادبیات نظری پژوهش

### ۲-۱. دین و گفتمان

واژه گفتمان معادل کلمه (discourse) در زبان لاتین است که دلالت بر گفتگو و مباحثه دارد (آنجل، ۲۰۰۵م، ص ۹۴) این واژه در رشته‌های مختلف علوم انسانی از قبیل زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی، نیز بسیار کاربرد دارد. زبان‌شناسان «مطالعه زبان در سطح بالاتر از جمله به‌عنوان یک متن گفتاری یا نوشتاری را گفتمان می‌نامند» (شبدینی، ۱۳۹۶ه.ش، ص ۱۲) درحالی‌که از دیدگاه جامعه‌شناسان می‌توان گفتمان را به‌مثابه یک نظام معنایی و جریان همگن یا جریانی اجتماعی دانست که دارای زمینه‌ای اجتماعی است (پیر، ۱۳۹۷ه.ش، ص ۱۲۲) در این میان نهایتاً گفتمان در پرتو بررسی زبان از دیدگاه جامعه‌شناختی و در خلال روابط اجتماعی تعریف می‌گردد. که گفتمان نتیجه مطالعه زبان به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی است.

تنوع دیدگاه‌ها در باب ارائه تعریف دین به‌وضوح بیانگر ابعاد فراوانی است که نهاد دین از آن برخوردار است. دین‌پژوهان نیز ضمن تأکید بر کارکردها و نقش‌های تمدن ساز دین، بر اهمیت آن در دو بعد زندگی فردی و اجتماعی توافق دارند. «علامه طباطبایی دین را روش ویژه‌ای برای زندگی بشر می‌داند که مصلحت دنیوی انسان را در جهت کمال اخروی و حیات ابدی او برآورده می‌سازد» (پیشگر، ۱۳۸۷ه.ش، ص ۸۹). از این‌روی لازم است شریعت، دربرگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید. اما آنچه اینجا به‌عنوان دین مدنظر ماست تعریفی است که دین را مجموعه‌ای از تعالیم و آموزه‌ها می‌داند که از طرف خداوند برای هدایت نوع

بشر به پیامبران وحی شده است و دارای جهان‌بینی، اعمال و احکام تعبدی خاصی است. در این پژوهش به‌منظور بررسی گفتمان دینی، مبانی، مقدمات و مفروضات آن در دو سطح نگاه اجتماعی و فردی مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

## ۲-۲. ابراهیم المقادمه و هوشنگ گلشیری در یک نگاه

ابراهیم احمد المقادمه شاعر، مبارز و از رهبران انقلابی فلسطینی است که در سال ۱۹۵۰ م در اردوگاه آوارگان فلسطینی (جبالیا) به دنیا آمد. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به مصر رهسپار شد و بعد از فارغ‌التحصیلی در رشته دندانپزشکی به خدمت در نوار غزه پرداخت. «مقادمه از مؤسسين دستگاه نظامی ویژه اخوان المسلمین و از پایه‌گذاران جنبش مقاومت اسلام (حماس) در فلسطین بود. ارسال اسلحه به انقلابیون مبارز فلسطینی، فرماندهی گردان‌های شهید عزالدین القسام و ... از دیگر فعالیت‌های سیاسی او بود» (روان شاد، ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۷۱). سرانجام شهید ابراهیم المقادمه همراه سه تن از همراهانش، در سال ۲۰۰۳ م ترور شدند. تنها اثر ادبی وی دیوان شعری به نام «لا تسرقوا الشمس» است که آن را در زندان سروده است.

هوشنگ گلشیری نویسنده معاصر ایرانی و از تأثیرگذارترین داستان‌نویسان ادب معاصر فارسی است که در مکتب اصفهان قلم می‌زد. او در سال ۱۳۱۶ هـ.ش در اصفهان دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۳۸ هـ.ش به تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه اصفهان پرداخت. گلشیری مدتی شعر می‌سرود ولی خیلی زود دریافت که در این زمینه استعدادی ندارد، بنابراین سرودن را کنار گذاشت و به نگارش داستان پرداخت. گلشیری از جمله نویسندگانی بود که در برهه‌ای از حیات ادبی‌اش دارای گرایش‌های توده‌ای بود. وی در سن ۶۱ سالگی بر اثر ابتلای به بیماری مننژیت درگذشت. از جمله آثار او می‌توان به: بره گمشده راعی، شازده احتجاب و غیره اشاره کرد (نجفی، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۸).



### ۳. بحث و بررسی

#### ۳-۱. نگاه بیرون دینی نزد گلشیری و المقادسه

در این رویکرد که از بیرون به دین نگریسته می‌شود، متن دین و شناسایی قلمرو اعتقادات آن مدنظر نیست بلکه مسائلی نظیر تعریف، اهداف، هستی و ضرورت دین مورد بررسی قرار می‌گیرد. گلشیری که از کانال حزب توده با اندیشه‌های مارکسیستی و نظریه‌پردازان آن آشنا بود در رویکرد بیرونی به دین، نهاد دین را یک ضرورت اجتماعی برای عامه مردم می‌داند که با اعتقادات، تعلیمات و آداب و رسوم خاصش ذهن و کردار توده‌ها را تخدیر و از تفکر به مسائل اجتماعی و تغییرات بنیادین سیاسی اجتماعی باز می‌دارد: «می‌خواهم بگویم اگر کاریشان نداشته باشیم، در همین ادب و آداب بزرگ می‌شوند یا به همان سیاقی که همه هستند. اگر بخواهیم همه را از این مجموعه جدا کنیم، می‌دانید چه می‌شود؟ وقتی به سن و سال من و شما رسیدند می‌بینند باخته‌اند، می‌بینند نمی‌توانند. بعد هم می‌روند و برای خودشان دستاویزهایی می‌تراشند، نمی‌دانم الکی می‌شوند، به قمار پناه می‌برند» (گلشیری، ۱۳۵۶ ه.ش، ص ۷۷). این کلام گلشیری، هم‌نوا و هم‌جهت با این جمله مشهور کارل مارکس است که: دین تریاک ملت‌هاست و مذهب به‌مثابه خوشبختی تخیلی مردم است (پیتر، ۱۳۵۰ ه.ش، ص ۲۶۳). لذا دین کاری را با توده‌ها می‌کند که الکل و قمار در فراموشی موقت رنج‌ها و آلام ایفای نقش می‌کند. با توجه به اینکه «از نظر مکتب فونکسونالیسم (کارکردگرایی)، مارکس کارکرد دین را دادن آرامش به انسان می‌داند» (پوراحمدی، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۵۴) به نظر می‌رسد گلشیری نیز به تبعیت از اندیشه مارکسیستی، نقش اجتماعی دین در شکل‌گیری انواع جنبش‌هایی که با انگیزه دینی از دل تاریخ سر درآورده‌اند را نادیده گرفته باشد. این در حالی است که با بررسی تاریخ ادیان به‌سادگی می‌توان به این نتیجه رسید که فلسفه آغازین ادیان در نفی هرگونه استثمار و بهره‌کشی طبقاتی بوده

است تا مستضعفین را از زیر یوغ بردگی و اسارت رها کرده و به مقام حقیقی وی که همان خلیفه خدا در زمین است برساند. برای نمونه «موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ» در خانه فرعون علیه فرعون و به سود طبقه استثمار شده فرعون قیام می‌کند، این دیگر به‌هیچ وجه توجیه مارکسیستی ندارد» (مطهری، ۱۳۶۹ هـ.ش، ص ۲۰۷). کما اینکه ظهور آموزه‌های اسلامی در شبه‌جزیره عرب منجر به برهم زدن نظام طبقاتی حاکم بر جامعه عربستان شد. آموزه‌هایی که معیار برتری انسان‌ها را در میزان پایبندی به تقوا تعریف می‌کند: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ﴾ (الحجرات: ۱۳).

درحالی‌که ابراهیم المقادمه، با نگاه عمیق و ریشه‌دار به تاریخ ملت‌ها و اقوام مختلف که با تکیه بر ایدئولوژی دینی، به نبرد با حاکمان مستبد و غالباً ثروتمند به پا خواسته‌اند؛ نقطه اختلاف بزرگی را با گلشیری به نمایش می‌گذارد. وی معتقد است نه تنها عامه مردم، بلکه خواص و رهبران نهضت‌های آزادیخواه کشورهای عربی، باید سرگذشت پیامبران و مصلحان دینی را به‌عنوان الگویی راه‌گشا برگزینند. الگویی که علاوه بر مشروعیت دادن به حرکت‌ها و نهضت‌های مردمی، نوعی احساس اتحاد و همبستگی بین طبقات مختلف مردم تحت عنوان هویت دینی مشترک، به وجود می‌آورد. از این رو می‌بینم که وی در سروده «أحمد» از هویت دینی و نمادهای مقدس اسلامی از قبیل الله، پیامبر اسلام، نماز، جهاد و... به‌عنوان تلنگری جهت خیزش و ایجاد بیداری یاد کرده است. وی مفاهیم دینی را پرچم و راهنمای انقلابیون دانسته و از جامعه‌ای سخن به میان آورده است که با تکیه بر ارزش‌های کهن و اصیل دینی و الگوگیری از جهاد و تلاش اصحاب ادیان، راه موفقیت و پیروزی را طی کرده‌اند؛ گویی تاریخ با تمام مجد، عظمت و ارزش‌های دینی‌اش دوباره تکرار شده است: «يا أمَّ أحمدَ .. إنه عرسُ لأحمد/ يكبر الحلم ويكبر كلما يكبر أحمد/ كلما يقذف بالأحجار في وجه الجنود/ كلما يُجرح أحمد/ كلما يصرخ في وجه الجنود/ سيعود جيشُ محمد سيعود/ فتجلدِّي وتصبري الصبر الجميل/ وإلى الصلاة .. إلى الصلاة .. إلى الصلاة» (المقادمة، ۲۰۰۳ م، ص ۳۱)

بنابراین المقادمه برخلاف گلشیری نه تنها تحت تأثیر آموزه‌های ماده‌گرایی نبوده است، بلکه با اشاره به اینکه آموزه‌های دینی هویت‌بخش جریان‌ها و انتفاضه مردمی فلسطین است، نوعی پیوند عمیق بین هویت دینی با آینده جوامع عربی برقرار کرده است لذا از امام حسین و شهدای کربلا به‌عنوان الگوی جریان مقاومت یاد کرده که سرانجام سایه ظلم و ستم را از سر مردم فلسطین کنار خواهد زد:

«وعبر جراحنا، وقوافل الشهداء في السّاحة / ستزهر زهرة الحقّ / حسين نعم يا حسين / وتخرج من ظلام السجن / تحمل ثقل عكازك / وأخفي ثورة البركان محتسباً / إلى أن توقد الثّار من ألمي وآلامك / بتخرج نارنا نوراً / بيدد ليلنا الحالک» (همان، ص ۲۵).

این در حالی است که گلشیری معتقد است که خواص و روشنفکران جامعه به دین و مذهب نیازی ندارند؛ زیرا دین و مذهب برای توده مردم است. لذا پیام نهایی داستان در ابهام، اضطراب و شک نسبت به دین خلاصه می‌شود. «اضطرابی که داستان را فرامی‌گیرد اضطراب انسان‌هایی است که امید به آن دنیا را از دست داده‌اند و از مجموعه سنت‌ها به بیرون پرتاب شده‌اند، اما از این دنیا نیز بهره‌ای نبرده‌اند» (عابدینی، ۱۳۶۸ هـ.ش، ص ۲۹۷). البته این نوع تفکر و نگرش نسبت به دین و مذهب از ناحیه نویسنده‌ای چون گلشیری که دارای گرایش‌های مارکسیستی بود می‌تواند ناشی از دو خاستگاه باشد:

یکی آنکه مدل روشنفکری در ایران قبل از انقلاب ۵۷ - به‌ویژه دهه ۴۰ و ۵۰ که جولانگاه ایدئولوژی‌های متفاوت بود - می‌طلبید تا روشنفکر کسی باشد که دل درگرو اندیشه‌های دینی نداشته باشد؛ زیرا از دیدگاه اندیشه‌های وارداتی که خاستگاه ایرانی اسلامی نداشتند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت «تفسیرهای ویژه از دین می‌توانست عامل عقب‌ماندگی مرحله‌ای جامعه» (علمداری، ۱۳۷۹ هـ.ش، ص ۳۵۲) و غور خوردن در عالم خرافات باشد. دوم اینکه شاید بتوان ریشه‌های این نگرش منفی نسبت به دین را در قصور و ناتوانی متولیان دین برای ارائه خوانشی جامع و کامل از دین جستجو کرد. بدین معنی که نهاد روحانیت و مدارس دینی به‌عنوان نماینده

دین و گفتمان دینی در جامعه، در القای آن خوانشی از دین که حضوری کاربردی در سطح کلان اجتماعی و فردی داشته باشد، هیچ تلاشی نکرده‌اند. طبعاً این خوانش از دین پاسخ‌گوی نیازهای اساسی انسان مدرن که در تلاقی با فرهنگ‌های مختلف وارداتی به‌ویژه غربی است، نمی‌باشد. لذا گفتمان دینی فقط در حوزه‌های علمیه، مساجد و اماکن مقدس به چشم می‌خورد و در جامعه حضوری ندارد: «اگر ایوان خنکی در جبهه جنوبی صحنه مسجدی دیدید، یا به شبستانی گوشه دنجی یافتید، شیخ را همان‌جا خواهید دید، نه اینجا که ماییم. اینجا باور کنید شیخ را مجال خلوت و عزلت نیست» (گلشیری، ۱۳۵۶ هـ.ش، ص ۶۲).

درحالی‌که مطالبه‌گری و دفاع از حقوق مردم مظلوم و انگیزش آنان برای احقاق حقوق ضایع‌شده، جزئی از هویت دینی مطرح‌شده در سروده‌های ابراهیم المقادمه را به خود اختصاص می‌دهد. شاعر در ابیاتی از سروده «عائد»، با استفاده از تلمیح و اشاره به غزوات جهادی پیامبر اسلام (ص) علاوه بر آنکه دین‌داری و پیروی از آموزه‌های انبیاء را تنها راه نجات‌بخش معرفی کرده است، پایبندی به اصول دینی را عامل نوزایی و حیات‌بخش دانسته که تیرگی ظلم بیدادگری را از بین می‌برد. معارفی که می‌تواند به انسان بصیرت داده و چشم‌هایش را به روی حقایق بگشاید. درواقع می‌توان گفت که شاعر دوا‌ی بی‌بصیرتی و کوری انسان‌های غرق در سرمایه‌داری و غرب‌گرایی را - که در بره گمشده راعی به تصویر کشیده بود- در تلاش و پیکار با سختی‌ها و امید و ایمان به راه و مکتب الهی دانسته است که ریشه در تاریخ انبیای عظام دارد: «یا إخوتی یا بدر هذا اللیل للظلماء قاتل / صُونُوا أُوْتُكُم وَأَحْيُوا لَيْلِكُمْ فالظلم زائل / یا زمرة القلب الموحد لیس تخلطه الشوائب / یا عصبه الإيمان شَقُّوا دریکم وسط الخرائب / أحيوا جهادکم نبیکم صَفُّوا الکتاب / لا ترهبوا جبروتهم فالکفر خائب» (المقادمه، ۲۰۰۳ م، ص ۴۵).

ابراهیم المقادمه، علاوه بر آنکه دین را یک نهاد ضروری برای طبقات مختلف جامعه می‌داند، از آن به عنوان عامل وحدت‌بخش و موتور محرک برای نهضت‌های

ضد ستمگری یاد کرده است. وی برخلاف گلشیری دین را در پستوی تاریخ جستجو نمی‌کند بلکه آن را یک واقعیت انکارناپذیر دانسته است که با تمسک به آن می‌توان آینده‌ای درخشان برای جامعه ساخت.

### ۳-۲. نگاه درون دینی

حال که دریافتیم گلشیری و المقادمه دو نگاه متفاوت به رهیافت بیرونی داشته‌اند به‌گونه‌ای که اولی، دین را افیونی برای توده مردم دانسته است؛ و ابراهیم المقادمه نگاه امیدوارانه به آینده و انتفاضه مردمی را از کانال تاریخ اسلام و هویت اصیل دینی به مخاطبانش معرفی می‌کند؛ در این بخش دنبال بررسی رهیافت درونی گلشیری و المقادمه به مقوله دین هستیم. در روش مطالعه درون دینی، بر محتوای دین، آموزه‌ها و تعالیم دین برای دین‌داران تأکید می‌شود. لذا این نوع نگرش به دنبال مطالعات «با گرایش مؤمنانه همراه با التزام و پایبندی به دین جهت کشف محتوای پیام دین است» (خواجه گیر، ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۱۵۰) بدین معنی که نویسنده یا شاعر به‌عنوان کسی که تجربه همزیستی با جامعه و محیط مذهبی ایران و فلسطین را داشته است، طبعاً موضع‌گیری‌هایی در باب مسائل جاری و ساری در دین اتخاذ کرده‌اند که در رمان «بره گمشده راعی» و دیوان «لا تسرقوا الشمس» بروز یافته است.

#### ۳-۲-۱. رهیافت فردی احساس‌گرا

کارکرد این رهیافت در مدیریت احساسات و عواطف انسانی با استعانت از آموزه‌های دینی به منصفه ظهور می‌رسد. رهیافتی که بر زندگی فردی تمرکز داشته و موجب می‌شود تا عواطف انسان در مواجهه با تکانش عاطفی استقامت به خرج داده و سلامت روحی فرد را حفظ کند. به زبان ساده می‌توان گفت که رهیافت فردی احساس‌گرا «دین را به عکس‌العمل‌های احساسی و عاطفی انسان در مواجهه با آن تجارب شگفت و گریزناپذیر مانند سوانح، شرور، مرگ، حوادث غیرمترقبه از جمله

سیل، زلزله، طوفان و... ربط می‌دهد» (فولادی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۵۴). این رهیافت از دین، نزد گلشیری و المقادمه به عنوان پناهگاهی برای افراد به چشم می‌خورد. در داستان «بره گمشده راعی» یکی از شخصیت‌های اصلی داستان که دین باور نیز هست، در مواجهه با تجربه مرگ فرزند که عواطف و احساسات پدرانه‌اش را برانگیخته است قرار می‌گیرد. تجربه‌ای که بدون استعانت از ارزش‌های دینی تاب پذیرش آن را ندارد. لذا با پناه بردن به مسجد و کمک گرفتن از نماز که مصداقی از آیه ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره: ۴۵) است. گره این تجربه تلخ را به آرامش دینی پیوند می‌زند تا مدیریت احساسات و عواطفش، تاب‌آوری‌اش را بالا ببرد: «شیخ می‌دانست که صدر حتماً کشته خواهد شد. شب پیش به خواب دیده بود. لرزان از خواب برخاسته بود و دوگانه‌ای گزارده بود و از پس سلام سر بر مهر نهاده بود. فردا شب عبا بر سر کشید و دوان به مسجد شد و تا صبح در محراب سر بر سجده نهاده مگر فرجی رسد» (گلشیری، ۱۳۵۶ هـ.ش، ص ۶۳).

گلشیری که در این بخش از داستان به رغم تأثیرپذیری از اندیشه‌های حزب توده در نفی یا تقلیل کارکرد اجتماعی دین، به ایفای نقش مثبت آن در تقلیل و کاهش آلام و رنج‌های عاطفی، جهت رسیدن به آرامش اشاره کرده است به گونه‌ای که تنها راه پیش روی شخصیت داستان جهت رسیدن به تعادل روانی برای غلبه بر مشکلات را از رهگذر مذهب و سرسپردگی به مبدأ هستی تعریف کرده است.

ابراهیم المقادمه که خود جزو مجاهدان و دین باوران حاضر در صحنه نبرد با دشمن صهیونیستی است، بسیار از رهیافت احساس‌گرای دینی به عنوان تسلی‌بخش عواطف و احساسات جریحه‌دار خانواده‌های قربانیان و شهدای صحنه نبرد بهره جسته است. «المقادمه که از کودکی با قرآن خو گرفته و بسیار از آن تأثیر پذیرفته بود، سعی می‌کرد تا آموزه‌های قرآن را در طول زندگی خویش به کار گیرد» (النعامی، ۲۰۰۷ م، ص ۵۰). لذا قرآن مفاهیم والای آن به عنوان عامل آرام‌بخش که در دشواری‌ها تسلی‌بخش عواطف متلاطم فلسطینیان بود، در جای‌جای دیوانش

به چشم می‌خورد. وی در سروده أحمد با خطاب به داغداران و بازماندگان که از دو غم بزرگ فقدان عزیزان و اشغال خاک ابا و اجدادی‌شان رنج می‌برند، تنها راه مقاومت در برابر این هجمه از مشکلات و سختی‌ها را در سایه‌سار آیات قرآن جستجو کرده است. آیات ۴۴ و ۴۵ سوره بقره که آن‌گونه گذشت، کلید موفقیت مجاهدان در راه خدا را در استعانت از صبر و نماز تعریف کرده است: «وَيَا عَبْدُ هَذَا قِضَاءُ الْإِلَهِ / فَلَسْنَا نَدِينُ لِرَبِّ سِوَاهُ / وَلَسْنَا نَضِجُ بِشَيْءٍ قِضَاءُ / وَلَنْ نَسْتَعِيزَ مِنَ الصَّبْرِ سِوَى / وَلَنْ نَسْتَعِينُ بِغَيْرِ الصَّلَاةِ» (المقدمه، ۲۰۰۳م، ص ۳۱).

نکته شایان ذکر در اینجا است که شاعر با تأکید بر اینکه صبرشان را با من و سلوی عوض نخواهند کرد، ضمن تضمین به آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَى كَلُومًا مِنْ طَيْبَاتٍ مَا رَزَقْنَكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (بقره: ۵۷) بر این نکته تأکید داشته که صهیونیست‌های اسرائیلی در برابر عزم و اراده آهنین که ناشی از ایمان به پروردگار باشد سست و بی‌بنیاد هستند، همان‌گونه که بر مقام توحید صبر نکرده و با دل‌مشغولی به من و سلوی از مقام صبر و قرب به درگاه الهی محروم ماندند.

شاعر فلسطینی در سروده «في التحقيق» با عنایت به آیه ﴿إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُرَاجِ إِلَى اللَّهِ﴾ (یوسف: ۸۶) و دیگر روایات وارد شده در تمجید مقام صبر به عنوان فضیلت اخلاقی برجسته نزد صحابه بزرگ پیامبر اسلام از قبیل بلال، پناه بردن به خدا را تنها راه آرامش برای فلسطینیان می‌داند. وی ضمن اشاره به اینکه نه تنها در برابر آزار و اذیت دشمنان احساسات و عواطف دینی‌اش را از دست نخواهد داد بلکه راه شهدای صدر اسلام را ادامه خواهد داد. راهی که سرانجام با إِنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ مصداق پیدا خواهد کرد؛ به عبارت دیگر شاعر در این ابیات ضمن نوعی همزادپنداری و احساس رضایت از درک تجربه مشترک صحابی کبار پیامبر اسلام (ص)، با روحیه‌ای سرشار از امید و ایمان به ادامه جهاد در راه خدا افتخار می‌کند: «سَأَصْبِرُ رَغْمَ تَعْذِيبِي وَالْأَمِي / وَأَصْبِرُ رَغْمَ أَوْجَاعِي وَأَسْقَامِي / فَتَلِكْ

الآه للرحمن أرسلها لتثبتي/ وإن الآه للرحمن أطلقها/ بلال، يا بلال الخير علمني/  
دروساً في تحدي البطش» (المقادمه، ۲۰۰۳م، ص ۹).

### ۲-۲-۳. رهیافت معناگرا

رهیافت معناگرا دین اشاره به این کارکرد دین نزد افراد دارد که نه تنها زندگی را پوچ و بی مفهوم نمی بینند بلکه با اعتقاد به اصل معاد و عقوبت و جزا، بسیاری از گفتارها و کردار فرد در جهت احقاق ارزش های متعالی هم جهت می شوند. با توجه به اینکه دین پژوهان مسلمان و غیرمسلمان پژوهشگران بر این اصل صحه گذاشته اند که دین می تواند معنا بخش تمام تلاش ها و تکاپوی فرد در زندگی شخصی اش باشد، مفهوم کارکرد معناگرا را «به عنوان نوعی تلاش برای معنا بخشی به زندگی شخصی، تجارب و بی عدالتی های زندگی تلقی می کنند، تا این تجارب، موجه و معنادار به نظر برسند» (فولادی، ۱۳۹۳هـ.ش، ص ۱۵۴). گلشیری در سیاق داستان، هنگام پرداختن به زندگی شیخ بدر الدین که سرشار از تعارض و تلخ کامی های ناموجه و بی مفهوم است از رهیافت معناگرای دین به عنوان عامل نجات بخش و حلال پوچی های شیخ یاد کرده است. آنجا که «شیخ در روزی برفی در میان خرابه های آوار شده بر سر زن بی پناهی که در ازای قرص نانی برای فرزند خردسال و شوهر زمین گیرش اقرار به تن فروشی کرده است، حکم به سنگسار زن می دهد» (گلشیری، ۱۳۵۶هـ.ش، ص ۵۵). به رغم این که گلشیری با بیانی مغرضانه به گونه ای واقعه را به تصویر کشیده است که گویا شیخ از سر جهالت و بدون پشتوانه اخلاقی، حکم به سنگسار آن زن داده تا خوانش معارض گلشیری از فقه را به تصویر بکشاند؛ ولی شیخ داستان را زاهدی پشیمان معرفی کرده که اجرای حکم شرعی را بی معنا جلوه دهد. در اینجا رهیافت معناگرا خود را بروز می دهد. هنگامی که شیخ در میان معارف و احکام دینی به دنبال توجیه می گردد تا معنا و پشتوانه ای فقهی تاریخی از روایات برای خودش پیدا کند تا اینکه در نهایت با یافتن شواهد تاریخی در سنت پیامبر ﷺ به این تجربه تلخ معنا و مفهوم می بخشد: «شیخ را دل خانه رفتن نبود، واله گونه می گشت. مرا



چه می‌شود؟ مگر نه در سنت آمده که مرد و زنی را بر در مسجد رسول خدا رجم کردند؟ و رجم واجب است بر آنکه محصن باشد چون بیّنه به آن قائم شود یا او اقرار دهد» (همان، ص ۵۶)

ابراهیم المقادمه نیز به‌عنوان شاعر اهل مطالعه که با اصول اسلامی و آثار برجسته این دین آشنایی داشت در پاره‌ای از سروده‌هایش از مفاهیم و مضامین اسلامی نیز تأثیرپذیری داشته است. که علاوه بر تبیین جایگاه ارزش‌ها و مفاهیم دینی در آثار وی، بیانگر این مطلب است که نگاه درونی شاعر به مقوله دین و مذهب برگرفته از منابع اصیل اسلامی است که به نوبه خود به تمامی فعالیت‌ها و تلاش‌های فرد معنا و مفهوم ابدی می‌دهد. وی در سروده «عام درسی جدید» در محکومیت نسل‌کشی فلسطینیان که به دست صهیونیسم غربی انجام می‌گیرد، مبارزه با طاغوت را وظیفه انسان‌ها دانسته که در هر دو صورت یعنی شکست و پیروزی، به فرجامی نیکو و حیات انسانیت خواهد انجامید. رهیافتی که از کانال دین و دین‌باوری به تلاش مبارزان معنایی الهی می‌بخشد. دیدگاه نویسنده این مقاله این است که شاعر در ابیات زیر، افرادی را که در راه رسیدن به تحقق اهداف بزرگ، کشته می‌شوند را مرده به حساب نمی‌آورد بلکه با استناد به آیه ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۹) و تأثیرپذیری از نهج البلاغه، این جهادگران را زنده می‌داند. آنگاه که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَفْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ» (نهج البلاغه: ۵۱). لذا ابیات زیر نیز از نظر معنایی قرابت بسیاری با خطبه فوق داشته، بیانگر این اندیشه دینی است که مرگ از زندگی همراه با ذلت بهتر است و شهد زندگی، در مرگ با عزت است: «قال إنَّ الحرب مفروش بأنَّات الجراح / بالأذى العذب، بأشواق الطريق / بالضحایا، بالیتامی، والثکالی / بزنازین العذاب / أنا للجنة أحمیا، یا إلهی / فی سبیل الحق فاقبضنی شهیداً / واجعل الأثلاء منی معبراً / للعز، للجلیل الجدید» (المقادمه، ۲۰۰۳م، ص ۱۳-۱۴).

این ابیات یادآور این گفته زیگموند فروید، روان‌شناس برجسته قرون بیستم

درباره کارکرد دین در معنا بخشی و تزریق صبر و بردباری به روح انسان‌های دین‌دار با اشاره به پاداش مؤمنان و عذاب مجرمان در جهان دیگر است «می‌بینیم که مذهب و دین یک مایه تسکین‌دهنده معنا بخش ارائه می‌دهد که در سایه آن، دشواری‌ها محدودیت‌ها و نادادگری‌های این جهان پرآشوب قابل‌تحمل می‌شود؛ زیرا مرگ پایان همه‌چیز محسوب نمی‌گردد بلکه پلی میان دو جهان است که آدمی را به درجه تکامل می‌رساند» (فروید، ۱۳۴۲ ه.ش، ص ۱۸۴).

### ۳-۲-۳. کارکرد فردی جبران‌گرا

رهیافت جبران‌گری فردی از دیگر رهیافت‌هایی است که به‌عنوان کارکرد مثبت دین مدنظر دین‌پژوهان و اندیشمندان حوزه دین قرار گرفته است. از نگاه امیل دورکیم که بر کارکرد تربیتی و روان‌شناختی دین تمرکز داشته است، رهیافت جبران‌گری دین علاوه بر هم‌پوشانی با رهیافت معناگرا و احساسی، «دین را به‌عنوان نوعی جبران‌کننده برای محدودیت‌ها، محرومیت‌ها، ناکامی‌ها و ناتوانی‌ها تعریف می‌کند» (فولادی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۵۴). این رهیافت و کارکرد روان‌شناختی آن که از منظر درونی مورد تأیید جهان‌بینی غیردینی نهفته در ورای آرمان‌های حزب توده است، به نوعی دین و مذهب را مرهمی بر آلام و رنج‌های توده مردم تلقی می‌کند. لذا داستان «بره گمشده راعی» منصفه‌ای برای ظهور این طرز تلقی از دین است. شخصیت‌های داستان گلشیری که غالباً با جهان‌بینی مذهبی برنگاهشان غالب است، در تلاقی با محدودیت‌ها ناکامی‌ها و رنج‌های زندگی با استفاده از مکانیسم دفاعی دین و پالایش روحی برخواسته از آن، در پی جبران این دردها و رسیدن به یک سازگاری و ثبات شخصیتی هستند. شخصیت اصلی داستان که در تعامل با نظام فکری سیاسی ایران دهه ۴۰ و ۵۰ خود را بر ویرانه‌های فرهنگی و بحران هویتی ناشی از تمدن غربی جدید می‌یابد، نوعی دل‌تنگی عارفانه نسبت به ارزش‌های قدیمی پیدا می‌کند. ارزش‌های دینی عرفانی که در آن بحران‌های زندگی فرد با تمسک به انوار قدسی به‌سادگی حل می‌شد. شاید بتوان این‌گونه برداشت کرد

که این دلتنگی سید محمد راعی، شکل بروز یافته دلتنگی نویسنده داستان نیز هست زیرا به اعتقاد حسن عابدینی که در نقد داستان «بره گمشده راعی» به نقش دین نیز اشاره کرده است، «دلتنگی گلشیری در این داستان برای جامعه‌ی ثابت و یکدستی که در آن انسان به خود و کائنات نزدیک بود نوعی دلتنگی عارفانه است» (عابدینی، ۱۳۶۸هـ.ش، ص ۲۹۷) این دلتنگی راعی در قالب مادر و حضور او در روضه‌ها برای جبران ناکامی‌های زندگی محرومانه به ظهور رسیده است:

«- پس می‌خواستی کجا بروم؟ دلم گرفته بود.

- آخر مگر چی شده؟ کسی که حرفی نزد.

- اما خب وقتی می‌بینم دلم گرفته تا یک منبر روضه می‌روم و برای غریبی امام و لب تشنه عترت پیغمبر گریه می‌کنم دلم سبک می‌شود» (گلشیری، ۱۳۵۶هـ.ش، ص ۱۳۹)

نویسنده در بخش دیگری از داستان که به بیان تلاطم درونی شخصیت بدرالدین می‌پردازد، از کارکرد فردی جبران گرا بهره جسته است. وی که خط سیر حوادث داستان را به گونه‌ای پیش برده تا «شیخ خود را مسئول مرگ زن بداند. گلشیری آن زن بدکاره را همانند آینه‌ای به تصویر کشیده تا شیخ زاهد، تزلزل زهد دیرپای خویش را در آن ببیند و از رخنه شک در ایمان خویش مضطرب شود» (عابدینی، ۱۳۶۸هـ.ش، ص ۲۹۷). بنابراین شخصیت بدرالدین که سرشار از اضطراب است، گزاره‌های اخلاقی دین از جمله انفاق و صدقه را به عنوان مکانیسم دفاعی برای رهایی از این ناکامی و جبران آن برمی‌گزیند: «از آن پس سی و پنج سال تمام از صبح تا به شب سبد می‌بافت و غروب تا تل عاشقان می‌رفت و در گرگ و میش غروب دری را می‌کوفت، گوشه عبا بر هر دو چشم افکنده، یک گرده نان به انفاق دستی را می‌داد» (گلشیری، ۱۳۵۶هـ.ش، ص ۵۸).

ابراهیم المقادمه که دیوان شعری‌اش را با آرمان‌گرایی دینی و آمیخته با ارزش‌های والا همچون آزادی و برابری به تصویر کشیده است. جبران تمام کمبودها و

محرومیت‌های مادی معنوی را از رهگذر دین تعریف می‌کند. او که در کتاب خود "معالم في الطريق إلى تحرير فلسطين" امید به آینده را جز در پرتو امداد الهی نمی‌بیند می‌گوید: «وضعیت ما در قیاس با قدرت دشمنانمان اسفبار است؛ ولی امیدمان به خداوند متعال است که از دین مبین اسلام حراست می‌کند و سربازانش را یاری می‌رساند، و اهل باطل را خوار و ذلیل می‌کند» (المقادمه، ۵۱۴۲۳ ه. ص ۵). وی در سروده «علی الشَّبک» همین گفتمان جبران‌گرای دینی را پروراند و در کنار تلاش و جهاد برای رسیدن به دولت کریمه اسلامی، ایمان و اعتقاد به امداد غیبی و الهی را جبران‌کننده کمبودها و محرومیت‌هایی می‌داند که می‌تواند روح پرخروش جهادگران را به خروش آورده و آنان را در پیوندی عمیق با مجاهدان بدر و احد به اتحاد برساند:

«أَبْنَيْتِي إِيَّيْ عَلَى ثِقَةٍ / بَعْنَايَةِ مَنْ وَاحِدٍ أَحَدٍ / تَلَفَّ رُوحَكَ، تَرَعَاهَا، تَحِيْطُ بِهَا /  
أَبْنَيْتِي! كُونِي عَلَى ثِقَةٍ / بِالْحَقِّ، بِالنَّصْرِ / مَهْمَا اسْتَبَدَّتْ ظَلْمَةُ الْحَلِكِ / كَلَّمَا يَقْذِفُ  
بِالْأَحْجَارِ فِي وَجْهِ الْجَنُودِ / كَلَّمَا يُجْرِحُ أَحْمَدُ / كَلَّمَا يَصْرُخُ فِي وَجْهِ الْجَنُودِ / سَيَعُودُ جَيْشُ  
مُحَمَّدٍ سَيَعُودُ» (المقادمه، ۲۰۰۳ م، ص ۵).

در کارکرد جبران‌گرای دین المقادمه نیز از ارزش‌ها و مضامین اخلاقی دین نه تنها به عنوان مکانیسم دفاعی که به عنوان گره‌گشای مصائب یاد کرده که آوارگان بی‌پناه فلسطینی برای جبران و تسکین آلام و دردهای ناشی از نابرابری‌ها و تثبیت درون پریشان خویش به آن پناه می‌برند. وی در سروده «أحمد» ضمن هم‌دردی با مادران شهدا و دعوت آنان به صبر و بردباری که مصداقی از رهیافت احساسی را نیز در خود جای داده است، درگاه خداوند را تنها پناه بی‌نویان می‌داند و او را جبران‌گری توصیف کرده که بر دل‌های شکسته مبارزان راه آزادی مرهم می‌گذارد. وی در این ابیات آلام و دردهای افراد جامعه بی‌پناه خویش را به صفت جبار و جبروت الهی پیوند زده تا از رهگذر کارکرد جبران‌گرای دین، نقطه امید و مرهمی بر زخم‌های مادران داغدار فلسطین باشد:

هل تذكرين مساحة الحزن/ لا يعدل الأحاب إلا أجرهم عند الإله/ فتجلدّي  
وتصبري الصبر الجميل/ وإلى الصلاة.. إلى الصلاة.. إلى الصلاة/ رفقاً بقلب الأم يا ربّ  
السماء/ أرسل سكينتك الحبيبة أرضها/ بقضائك المحتوم وامنحها هداك/ يا راحماً  
واربط بفضلك قلبها/ واجبر قلوباً أنت جابرها، رضاك (همان، ص ۳۴)

همان‌طور که گذشت گلشیری و المقادمه به‌رغم فاصله فکری و مکانی که با هم داشتند در کارکردهای درون دینی از نقطه‌نظر مشترکی برخوردار بودند که از نگاه مکتب تطبیقی آمریکایی می‌تواند ناشی از تجربیات مشترک و هم‌زیستی در شرایط و فضای سیاسی اجتماعی جامعه‌ای باشد که به‌رغم آمیختگی با فرهنگ‌ها و اندیشه‌های نوظهور غیر اسلامی، کماکان بافت دینی و نگاه به ارزش‌های دینی و سنتی را از دست نداده است.

### ۳-۳. شباهت‌ها و تفاوت‌ها

تاکید بر کارکردهای ترمیمی دین با محوریت فرد از مهمترین نقطه اشتراک بین گلشیری و المقادمه است که برغم تفاوت دیدگاه‌های سیاسی شان، آنها راتحت لوای نقش محوری گفتمان دینی در حل بحران‌های جامعه به اتحاد رسانده است.

نقش بافت مذهبی و سنتی مشترک دو جامعه ایران و فلسطین که دارای اشتراکات فکری، فرهنگی و دغدغه‌های یکسانی از قبیل مبارزه با سلطه غرب بودند در ایجاد نگرش مشترک نسبت به نهاد دین به عنوان ضرورتی اجتماعی جهت ترمیم و اعتلای جامعه، بسیار برجسته است و از این نقش می‌توان به عنوان عامل اتحاد و اشتراک نزد گلشیری و المقادمه در به کارگیری گفتمان دینی یاد کرد.

در این میان نقش ارزش‌های والای اخلاقی به عنوان پرکننده شکاف بین مکاتب بشری و الهی در ایجاد نقطه اشتراک بین گلشیری و مقادمه قابل تأمل است. نقطه اشتراکی که با ایجاد حال و هوای انسانی و دل‌تنگی عارفانه افراد جامعه ایران و فلسطین نسبت به مدینه فاضله به منصفه ظهور رسیده است. با این تفاوت که مدینه

فاضله المقادمه از مسیر دینداری مبتنی بر جهاد می گذرد ولی اتوپیای گلشیری با محدود کردن گفتمان فقهی و تأکید بر اخلاق انسانی قدم در عرصه وجود می گذارند.

تفاوت عمده گلشیری و المقادمه در نوع تلقی دو ادیب نسبت به کارکرد اجتماعی دین است که البته آن هم ناشی از خواستگاه حزبی سیاسی دو ادیب می باشد. با این تفصیل که گلشیری به تبعیت از مدل روشنفکری منسوب به توده‌شف نقش فعال دین در عرصه اجتماع را به حاشیه کشیده است در حالیکه المقادمه با تأسی از نقش دین به عنوان عاملی که هویت دینی و ملی قوم عرب را تشکیل می دهد، آن را در عرصه اجتماع به اجرا در آورده است.

## نتیجه‌گیری

- گلشیری که به دلیل انتساب به حزب توده از نگاه برون دینی، دین را یک ضرورت اجتماعی در بعد فردی دانسته که برای توده مردم ضروری است زیرا آلام و رنج‌های آنان را تسکین می‌دهد، درحالی‌که ابراهیم المقادمه که خود از رهبران جنبش مردمی ضد صهیونیست بود در نگاه برون دینی، نه تنها دین را یک ضرورت دانسته بلکه با الهام از حرکات و انتفاضه انبیا و پیامبران، بر کارکرد جهادی و انقلابی آن جهت نیل به آرمان‌های انسانی و اخلاقی باور و تأکید کرده است.

- در زمینه درون دینی نیز ابراهیم المقادمه و گلشیری ضمن بهره جستن از رهیافت‌های سه‌گانه احساسی، معناگرا و جبرانی دین در بعد فردی، متأثر از بافت و محیط جامعه فلسطین و ایران قبل از انقلاب هستند. با این تفسیر که می‌توان گفت مواجهه با بحران ارزش‌ها با تفسیر عرفانی یکی از محورهای اساسی رمان بره گمشده راعی با تبعیت از مدل روشنفکری حاکم بر جامعه ایران است درحالی‌که رهیافت‌های سه‌گانه مذکور نزد المقادمه علاوه بر تسکین آلام و دردها، ناشی از خواستگاهی عقیدتی است که هویت افراد جامعه را بر مبنای اعتقاد به توحید و

معاد و نصرت الهی تفسیر می‌کند.

- توجه به مضامین قرآنی و استشهاد به آیات و احادیث معتبر اسلامی از قبیل فرمایشات امیر المؤمنین علیه السلام از جمله ویژگی‌های برجسته‌ای است که ابراهیم المقادمه را از گلشیری متمایز می‌کند. بدین‌سان که وی در گذر از رهیافت‌های درونی و بیرونی دین، به دنبال نوعی اتحاد بین مبارزان فلسطینی با مجاهدان صدر اسلام است تا ضمن معنابخشی به جنبش و انتفاضه فلسطین، آنان را با گذشته سرخ و آینده سبز اسلامی پیوند دهد. درحالی‌که داستان «بره گمشده راعی» رهیافت‌های درونی و بیرونی دین را از کانال نگاه توده‌ای و نقش افیونی دین برای توده‌ها تفسیر و معرفی می‌کند.

- گلشیری و المقادمه تقریباً دو نگاه متفاوت به مقوله مذهب و دین دارند. گلشیری مقوله مذهب و ملیت را دو مفهوم جدا و متمایز به حساب آورده که در تضاد نیز قرار می‌گیرند. کما اینکه تبعیت از مدل روشنفکری متداول و منافی دین، نقش روحانیت سکولار و سکوت آنان در ارائه خوانشی جامع از دین نیز در طرز تلقی وی از آن مؤثر بوده است. باین‌حال نگاهال مقادمه به دین در تضاد با بیانیه مارکسیستی بوده و بر نقش فعال و مکمل دین و الگوهای اسلامی در هویت بخشی به فرد و جامعه، نسبت به گلشیری پیشتاز بوده است؛ زیرا در کشورهای عربی، مقوله دین و الگوهای اسلامی علاوه بر هویت دینی، هویت ملی و قومی آنان را نیز تشکیل می‌دهد.

## فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

### منابع عربی

- ۱- المقادمه، إبراهيم، (۲۰۰۳م)، لا تسرقوا الشمس، فلسطين: مجلس طلاب الجامعة الاسلامیة.
- ۲- \_\_\_\_\_، (۵۱۴۲۳هـ)، معالم في الطريق إلى تحرير فلسطين، فلسطين: مجلس طلاب الجامعة الاسلامیة.
- ۳- النعامی، ماجد، (۲۰۰۷م)، «توظيف التراث والشخصيات الجهادية والاسلامیة في شعر إبراهيم المقادمه»، مجلة الجامعة الإسلامية غزة، مج ۱۵، العدد ۱، ص ۹۱-۴۵.

### منابع فارسی

- ۱- آنجل، کراولی، (۲۰۰۵م)، فرهنگ زبان آکسفورد مقدماتی، ترجمه علی اصغر ذوالفقاری و امیرعلی راسترو، تهران: نشر رهنما.
- ۲- بگان، ژیل، (۱۳۸۴هـ.ش)، «خاستگاه‌های هنر در دین: درآمدی بر ادبیات و رابطه آن با دین»، ترجمه عباس محمد پور، فصلنامه زیبا شناخت، شماره ۱۲، ص ۳۱۹-۲۹۳.
- ۳- پور احمدی، حسین؛ و کیوان کریمی، (۱۳۹۵هـ.ش)، «بررسی تطبیقی جامعه‌شناسی دین کارل مارکس و ماکس وبر با تأکید بر جنبش بابک خرم‌دین»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال ۷، شماره ۲۸، ص ۷۴-۴۹.
- ۴- پیتر، آندرو، (۱۳۵۰هـ.ش)، مارکس و مارکسیسم، ترجمه شجاع‌الدین ضیائی‌ان، ج ۱، تهران: برهان.
- ۵- پیر، هدی؛ و ناهید اکبری، (۱۳۹۷هـ.ش)، «تحلیل رویکرد جامعه‌شناختی



- گفتمان دینی حدیقه سنایی بر اساس نظریه توانش ارتباط ذهنی دل هایمز»، فصلنامه بهارستان سخن، سال ۱۵، شماره ۴۲، ص ۱۴۲-۱۱۹.
- ۶- خواجه گیر، علیرضا، (۱۳۹۴ه.ش)، «بررسی دیدگاه ادوارد تایلور و جیمز فریزر درباره خاستگاه و تکامل دین»، مجله الهیات تطبیقی، سال ۶، شماره ۱۴، ص ۱۶۲-۱۴۹.
- ۷- روان شاد علی اصغر؛ و غلامحسین کهوری؛ و امین نظری، (۱۳۹۴ه.ش)، «بازتاب مقاومت در شعر ابراهیم المقادمه»، نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۳، ص ۶۷-۹۲.
- ۸- شبدینی، محمد، و دیگران، (۱۳۹۶ه.ش)، گفتمان‌های دینی شیوه‌ها و ابزارها، چاپ دوم، قم: انتشارات زمزم.
- ۹- عابدینی، حسن، (۱۳۶۸ه.ش)، صدسال داستان‌نویسی در ایران، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر تندر.
- ۱۰- علمداری، کاظم، (۱۳۷۹ه.ش)، چرا ایران عقب ماند و غرب پیشرفت کرد، تهران: نشر توسعه.
- ۱۱- فروید، زیگموند، (۱۳۴۲ه.ش)، آینده یک پندار، ترجمه هاشم رضی، تهران: انتشارات کاوه.
- ۱۲- فولادی، محمد، (۱۳۹۳ه.ش)، «دین در نگاه مارکس و شریعتی»، مجله معرفت ادیان، سال ۵، شماره ۴، ص ۱۶۵-۱۳۹.
- ۱۳- قاسم‌زاده، محمد، (۱۳۸۳ه.ش)، داستان‌نویسان معاصر ایران، چاپ نخست، تهران: هیرمند.
- ۱۴- قدردان قرا ملکی، محمدحسین، (۱۳۸۲ه.ش)، «کارکرد دین در انسان و جامعه»، مجله قبسات، سال ۸، ص ۱۸۷-۱۶۱.
- ۱۵- گلشیری، هوشنگ، (۱۳۷۷ه.ش)، باغ در باغ، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.

- ۱۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۵۶هـ.ش)، بره گمشده راعی، چاپ اول، تهران: چاپ فردوس.
- ۱۷- مارکس، کارل، (۱۳۸۱هـ.ش)، درباره مسئله یهود گامی در نقد فلسفه حق هگل، ترجمه مرتضی محیط، تهران: اختران.
- ۱۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹هـ.ش)، فطرت، تهران: انتشارات صدر.
- ۱۹- نجفی، حسن و سردار اصلانی، (۱۳۹۹هـ.ش)، بررسی تطبیقی آثار ادبی بدر شاکر السیاب و هوشنگ گلشیری از دیدگاه نقد اجتماعی، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان‌های خارجه.